

تأثیر ترمّد نسبت به مأموران پلیس بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: استان فارس)

چکیده

زمینه و هدف: جرم «ترمّد علیه مأمورین انتظامی» به سبب جایگاه بزه‌دیدگان که مجری قانون هستند، نتایج و آثار نامطلوبی را در خصوص احساس امنیت به دنبال خواهد داشت. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر وقوع ترمّد نسبت به مأموران انتظامی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان است.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش کمی به صورت توصیفی - پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، ۱۳۵ نفر از استادان دانشگاه، شهروندان عادی، بزه‌دیدگان و خبرگان و قضات در سال‌های ۹۸ و ۹۹ در استان فارس است. با بهره‌گیری از جدول کرجسی و مورگان، ۱۰۱ نفر برای حجم نمونه انتخاب و تعیین شد. برای دستیابی به جامعه نمونه، از نمونه‌گیری خوشه‌ای سه‌مرحله‌ای استفاده گردید. پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای گردآوری داده‌ها به کار رفت و روایی ابزار گردآوری داده‌ها به شکل صوری و محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۷۲۲) ارزیابی و تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار spss18 از آزمون‌های تی، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها: این تحقیق حاکی از ارتباط مؤلفه‌های سطح آستانه تحمل ($R=0/129$)، قاطعیت پلیس ($R=0/491$)، تعاملات اجتماعی ($R=0/229$)، سیاست‌های تقنینی و قضایی ($R=0/335$) با احساس امنیت است، همچنین متغیرهای مستقل توانسته‌اند حدود ۳۱ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. در مجموع مبتنی بر یافته‌های تحقیق، متغیرهای مستقل به صورت مستقیم بر متغیر وابسته احساس امنیت تأثیر گذارند؛ از بین متغیرهای مستقل، متغیر «تعاملات اجتماعی پلیس با مردم» با $0/166$ بیشترین تأثیر و متغیر «سطح آستانه تحمل افراد» با $0/027$ کمترین تأثیر را دارد.

نتایج: نتایج گویای این است که ترمّد نسبت به مأموران پلیس بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان اثر نامطلوب دارد و موجب تسری حس ناامنی در سطح اجتماع می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ترمّد، احساس امنیت، آستانه تحمل، تعاملات اجتماعی.

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۱-۳۴

شناسه دیجیتال (DOR):

DOR: [20.1001.1.20086024.1400.13.4.1.1](https://doi.org/10.1001.1.20086024.1400.13.4.1.1)

احمدرضا استوار

دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. رایانامه: ar.ostovar1395@gmail.com

امیر پاک نهاد

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: am.paknahad@gmail.com

مهدی هوشیار

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. رایانامه: criminallaw93@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحلیل جرم شناختی ترمّد نسبت به مأمورین انتظامی (مطالعه موردی استان های فارس، خوزستان و سیستان و بلوچستان)» رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز است.

جوامع انسانی از زمان‌های دور تا به امروز، با پدیده‌های مجرمانه و تعرض افراد به یکدیگر مواجه بوده‌اند؛ در همین زمینه، نیروی انتظامی به‌عنوان نهادی انتظامی و اجتماعی برای کنترل و پیشگیری از این جرائم به‌وجود آمد. کارکنان این سازمان به‌علت تعامل زیاد با اقشار مختلف اجتماعی، همواره در راستای تأمین امنیت و انضباط اجتماعی و مقابله با قانون‌شکنان، مورد تعرض و خشونت برخی افراد به‌ویژه مجرمان، بزه‌دیدگان و بزهکاران قرار می‌گیرند. در این راستا، هرگونه هجوم یا حمله، هتاکی و اهانت، سرکشی و عصیان نسبت به مأمور نیروی انتظامی حین انجام‌وظیفه، «تعرض و تمرد شهروند» نامیده شده و نوعی جرم محسوب می‌شود.

مهم‌ترین عوامل بروز چنین رفتارهای ناپهنجاری در مقابله با مأموران نیروی انتظامی حین انجام‌وظیفه، برگرفته از نوع تربیت و فرهنگ خانوادگی، محیط زندگی و موقعیت قرارگرفته در آن است؛ و در نگاه دیگر که مربوط به مأموران است، عدم شناخت کافی ضابطان نیروی انتظامی از مهارت‌های شغلی و سازمانی خود (نداشتن مهارت و توان لازم در کنترل خشم، آگاه‌سازی شهروندان، احترام و رعایت حقوق شهروندی) و شناخت ناکافی از توقعات و خواسته‌های مردم است. طبق ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی: «مقاومت در مقابل نیروی انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که آنان مشغول انجام‌وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود، ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و برحسب ادله و قوانین موجود خوف آن باشد که عملیات آن‌ها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس یا مال شود، در این صورت دفاع در مقابل آن‌ها نیز جایز است» (رحمانی، ۱۳۹۸، ص ۵۶). بنابراین، مأموری که خارج از حدود و صلاحیت و اختیارات خود عمل می‌کند، اعمالش غیرقانونی است و مقاومت در برابر او مصداق جرم تمرد تلقی نمی‌شود، اما این‌طور هم نیست که لزوماً مشروع به‌حساب آید، بلکه برحسب وجود یا نبود شرایط لازم برای مشروعیت دفاع - اعم از شرایط عمومی دفاع و شرایط اختصاصی که برای جواز مقاومت در برابر مأموران لازم است - ممکن است

دفاع مشروع محسوب شود یا نشود؛ لذا مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر تعرض شهروندان به مأموران ناجا که حین انجام وظیفه حاکمیتی برای برقراری نظم و امنیت عمومی تلاش می‌کنند، دغدغه و مسئله‌ای مهم و بنیادین است.

از جمله مناطق کشورمان که میزان تَمَرّد نسبت به مأموران پلیس در آن بالا بوده، استان فارس است. این استان، دارای مرکز و اماکن مستعد پاتوق مجرمان و قانون‌گریزان (اعم از پارک‌ها و مناطق گردشگری و توریستی) است. نرخ وقوع جرائمی همچون تَمَرّد افراد و به‌ویژه مجرمان و قانون‌شکنان به مأموران انتظامی در گستره جغرافیایی این منطقه در هنگام اِعمال و اجرای قانون روندی رو به تزاید دارد. بدیهی است، تداوم این امر می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر اقتدار ناجا تحمیل کرده و موجبات تجری و گستاخی بیش‌ازپیش قانون‌گریزان را فراهم کند و به‌صورت کلی منجر به تنزل امنیت اجتماعی شهروندان شود. هرگونه خدشه بر اقتدار ناجا و جری‌شدن مجرمان در تعرض به کارکنان این سازمان را می‌توان پیش‌زمینه‌ای برای پدید آمدن بحران‌هایی امنیتی - انتظامی در سطح جامعه و کاهش احساس امنیت اجتماعی در نظر گرفت که درک و پذیرش این مسئله و تلاش برای یافتن سازوکاری علمی و اثربخش برای رفع آن، دغدغه اصلی محقق در این پژوهش است. بررسی مقایسه‌ای پرونده‌های متشکله در خصوص تَمَرّد شهروندان به مأموران انتظامی در حین انجام وظیفه در استان فارس و شهرستان‌های تابعه این استان نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۹ این پدیده مجرمانه رشدی ۱۶ درصدی را در مقایسه با سال ۱۳۹۸ داشته است، البته این پدیده مجرمانه، در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰ نیز همین روند صعودی را طی کرده و تا پایان بهمن‌ماه سال جاری (۱۴۰۰) مبتنی بر آمار مأخوذه از مراجع ذی‌صلاح در مرکز فرماندهی و کنترل انتظامی استان فارس، تعداد پرونده‌های متشکله با موضوع «تَمَرّد شهروندان به مأموران انتظامی» ۱۰ درصد نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، رشد داشته است (مرکز فرماندهی و کنترل انتظامی استان فارس، ۱۴۰۰/۱۱/۰۱).

در مجموع می‌توان گفت، آمارهای بررسی‌شده در پنج سال اخیر نشان می‌دهد که سالانه تعداد زیادی از کارکنان ناجا حین انجام مأموریت‌های سازمانی و به‌علت تمرّد صورت‌گرفته نسبت به آنان شهید شده یا فوت کرده‌اند و یا دچار آسیب‌های جسمی و روحی منجر به طرح در شورای پزشکی ناجا شده‌اند؛ از این‌بین، سهم استان فارس به‌عنوان یکی از متراکم‌ترین استان‌های کشور، زیاد است. با توجه به مسئله‌بودن موضوع تمرّد برخی شهروندان استان فارس به مأموران انتظامی در حین انجام‌وظیفه و روند صعودی این اقدام مجرمانه و پیامدهای ناگواری که این معضل می‌تواند بر پیکره نظم و احساس امنیت اجتماعی و اقتدار سازمانی نیروی انتظامی در استان تحمیل کند، مقاله حاضر به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که تمرّد نسبت به مأموران پلیس تا چه میزان بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد؟.

پیشینه و مبانی نظری

اکبری، مهدوی و عبداللهی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل خشونت شهروندان نسبت به مأمورین انتظامی در شهرستان سوادکوه» به این موضوع پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس حاصل از آزمون ساختاری ایموس^۱ نشان داد که متغیرهای عدم چگونگی مدیریت و کنترل روانی مأموران پلیس، رفتار ناعادلانه با شهروندان توسط پلیس و پایین‌بودن آستانه تحمل پلیس در برابر ناملازمات محیطی به‌ترتیب بیشترین تأثیر را بر میزان خشونت مردم علیه مأمورین داشته‌اند. استوار، پاک‌نهاد و هوشیار (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل جرم‌شناختی تمرّد نسبت به مأموران پلیس (مورد مطالعه: استان فارس)» به این موضوع پرداخته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، مهم‌ترین عوامل وقوع تمرّد علیه مأموران انتظامی، عوامل فردی، روانی، اجتماعی و محیطی است که در وهله نخست قانون‌گریزی و سپس، خشونت علیه پلیس را به‌دنبال دارد. از این‌رو، رفع بخشی از مشکلات مرتبط با عوامل مذکور تا حد زیادی می‌تواند وقوع تعدی و تمرّد علیه پلیس را

کاهش دهد. رحمانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی علل تَمَرّد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی با رویکرد نظریه زمینه‌ای» به این موضوع پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، پس از استخراج مفاهیم اساسی (۸۵ مفهوم)، مقوله‌های فرعی (۲۸ مقوله) و مقوله‌های عمده (۷۳ مقوله)، همه مقوله‌های عمده برحسب جنبه‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی با همدیگر تلفیق شدند و الگویی تلفیقی، همگرا و دارای سطح انتزاعی بالاتر، که بیان‌کننده سؤال اصلی پژوهش است، استخراج شد. بر این اساس، تَمَرّد از فرمان پلیس به منزله پدیده محوری شامل چهار نوع ابزاری، اعتراضی، خاص‌گرا و نمایشی؛ شرایط علی تَمَرّد از فرمان پلیس شامل سه مقوله عمده قانون نارسا و آموزش ناکارا، اجتماع تسهیل‌گر تَمَرّد و فرسایش سرمایه اجتماعی؛ شرایط زمینه‌ای شامل دو مقوله عمده برزخ زندگی و نارسایی زیرساخت‌ها و تجهیزات؛ شرایط مداخله‌گر شامل مقوله عمده مدیریت ضعیف صحنه تعامل؛ شرایط تعاملی شامل راهبردهای تَمَرّد کلامی و غیرکلامی و پیامد تَمَرّد از فرمان پلیس شامل دو مقوله عمده کاهش مشروعیت قانون و کاهش اقتدار پلیس‌اند که از متن مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند. صفرآبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی راهکارهای پیشگیری از تعرض به کارکنان» به این موضوع پرداخته است. نتایج نشان داد که بیشترین رتبه مربوط به راهکارهای پیشگیری وضعی از تعرض علیه مأموران دریابانی و گزینه «استفاده از تجهیزات و نیروی متناسب با نوع مأموریت و تشدید برخورد مقامات قضایی و تصویب قوانین متناسب به‌منظور برخورد با متخلفان و اعمال‌کنندگان تعرض علیه مأموران به‌ویژه تصویب قانون به‌کارگیری سلاح متناسب با مأموریت‌های دریابانی» است. در مجموع، گزینه‌های پیشگیری وضعی (استفاده از تجهیزات و نیروی متناسب با نوع مأموریت و تشدید برخورد مقامات قضایی) بیشترین تأثیر را در پیشگیری از تعرض علیه مأموران دریابانی داشته است که مؤید فرضیه تحقیق می‌باشد. عارفی‌نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی راهکارهای پیشگیری از اعمال خشونت علیه مأموران پلیس» به این موضوع پرداخت. نتایج نشان داد، بهترین و مؤثرترین روش پیشگیری از اعمال خشونت علیه مأموران نیروی

انتظامی هنگام اجرای وظیفه از نظر هر دو گروه پاسخ‌دهنده، روش‌های پیشگیری اجتماع‌محور است. دعاگویان (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در تعرض به پلیس» به این موضوع پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که در گام اول، میزان و نوع تعامل مأموران با مخاطبان، میزان اعتماد مخاطبان به پلیس، انگیزه‌های شغلی مأموران و نیز زمان و مکان تعرض، رابطه معنی‌داری را نشان داد. در گام دوم آزمون فرضیه‌ها با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون ضمن صحت معنادار بودن روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته مشخص شد که در مجموع ۲۲ درصد از واریانس و تغییرات تعرض به پلیس به‌عنوان متغیر وابسته تبیین شده بود که در این میان، متغیر اعتماد مخاطبان به پلیس با بتای ۰/۳۹- بیشترین میزان تأثیرگذاری را به خود اختصاص داده بود.

ویلیامز و اسکات^۱ (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «روان‌شناسی پلیس: نقش علم روان‌شناسی در نظم عمومی و پیشگیری از پرخاشگری» به این موضوع پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که چگونه رویکردهای پلیس بر اساس این دیدگاه، در مدیریت احساسات هیجانی تندخویانه و اعتراضی بسیار مؤثر است و پلیس را از تمرکز بر اجبار به‌منظور تسهیل و گفت‌وگو دور خواهد کرد. این مجموعه تحقیقات بیشتر اهمیت روان‌شناسی پلیس را در شکل‌دهی به نظم عمومی و نتایج آن نشان می‌دهد و چنین نتیجه می‌گیرد که رفتار منطقی پلیس می‌تواند هیجانات منجر به تعارض پلیس و آشوبگران را تعدیل کند. پینگ و پاولو^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «سیستم‌های پشتیبانی تصمیم: در مورد فناوری اطلاعات و ایمنی افسران پلیس» به این موضوع پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق مبین آن است که استفاده از فناوری اطلاعات ضمن پیش‌بینی مخاطرات و تهدیدات افسران پلیس، خشونت علیه افسران پلیس را کاهش می‌دهد. در مجموع یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل تجربی مجموعه داده حاصل از ۴۳۲۵ اداره پلیس محلی ایالات متحده نشان داد که استفاده از

1- Williams & Stott

2- Pang & Pavlou

فناوری اطلاعات توسط پلیس با کاهش قابل توجه تعداد افسران پلیس کشته شده یا مورد تعرض رابطه معناداری دارد. جیل، جنسن و کیو^۱ (۲۰۱۸) کاربرد زور از طرف پلیس را در رویارویی با شهروندانی بررسی کرده‌اند که مشکلات رفتاری دارند. پژوهش آنان با بررسی تجربیات و ادراکات افسران از تعامل با شهروندان مذکور انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که رفتار تند پلیس نه تنها به کنترل هیجانات و رفتار پر خاشگرنه متخلفان و متهمان و مجرمان منتهی نمی‌شود بلکه رفتارهای خشونت‌آمیز و متعرضانه را نیز پیش‌بینی می‌کند. بر اساس نظر محققان در رویارویی شهروندان (هنجارشکنان) با پلیس، دعوت به آرامش از سوی پلیس تأثیر زیادی بر پیشگیری اقدامات خشونت‌آمیز مجرمان (متهمان) دارد. روجک، آلبرت و اسمیت^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود با شهروندانی که در برابر فرمان پلیس مقاومت کرده و افسرانی که از نیروی زور برای کنترل شهروندان بهره برده‌اند، مصاحبه کرده‌اند و طی آن ادراکات و رفتارهایی را بررسی کرده‌اند که در برخورد پلیس و شهروند سبب به وجود آمدن مقاومت فیزیکی و زور می‌شوند. یافته‌های تحقیق نشان داده است که رفتار خشونت‌آمیز مجرمان تحت تأثیر محیط، منابع تنش‌زای محیطی، نوع تخلف، نوع رفتار پلیس و نوع تخلف (بزه) قرار دارد. بلویدر، ورال و تیبالتس^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی با نام «تشریح مقاومت فرد مظنون در رویارویی پلیس با شهروند» پرونده‌های پلیس را بررسی کردند تا ببینند چرا مظنونان در برابر بازداشت مقاومت می‌کنند. تجزیه و تحلیل براساس نمونه‌ای از گزارش پلیس از اداره پلیس شهری در جنوب کالیفرنیا بود آن‌ها دریافتند این احتمال بیشتر است که مظنونان سیاه نسبت به هم‌تایان سفید و اسپانیایی خود در برابر دستگیری مقاومت کنند و نتایج را با استفاده از الگوهای نظری مرتبط با مقاومت شهروندان در برابر دستگیری توضیح دادند. مک الوین و کپسوا^۴ (۲۰۰۴) در پژوهش «ویژگی‌های افسران پلیس و بازجویی

1- Gill, Jensen & Cave

2- Rojek, Alpert & Smith

3- Belvedere, Worrall & Tibbetts

4- McElvin & Kposowa

امور داخلی برای اتهام کاربرد زور» هدف خود را بررسی رابطه بین ویژگی‌های افسران پلیس (مانند تجربه، نژاد، جنس و سن) و رسیدگی امور داخلی برای اتهام (ادعای) استفاده از زور بیان کرده‌اند. داده‌های پژوهش آن‌ها از پرونده‌های پرسنلی افسران استخدام‌شده در کلانتری ریورساید از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ استخراج شد. تحلیل‌ها نشان می‌دهند هرچه تجربه سازمانی کمتر باشد، احتمال بازجویی شدن بیشتر است. چنین نتیجه‌گیری شد که چنانچه به آموزش و مشاوره افسران جوان و تازه‌کار توجه بیشتری نشان داده شود، ممکن است بازجویی برای اتهام کاربرد زور از طرف افسران کاهش نسبتاً زیادی یابد. گرندی، دیکتر و سین^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «همیشه حق با ارباب‌رجوع نیست: پرخاشگری مشتری و تنظیم احساسات کارکنان خدمات» به بررسی دیدگاه متفاوتی در پرخاشگری پرداختند و رفتارها و درخواست‌های غیرمعقول ارباب‌رجوع (در اثر زیاده‌خواهی یا عدم آگاهی از حقوق) را در بروز پرخاشگری مؤثر دانستند. در این تحقیق، نمونه‌های متشکل از ۱۰۸ نفر از کارکنان مراکز پاسخگویی تلفن پلیس، بیمارستان و آتش‌نشانی مورد تحلیل قرار گرفت. به‌طور متوسط هر کارمند، ده مرتبه در روز مورد پرخاشگری زبانی مراجعان قرار می‌گرفت. تحقیق نشان داد، افزایش قرار گرفتن در معرض پرخاشگری ارباب‌رجوع سبب افزایش سرخوردگی شغلی و عاطفی کارکنان می‌شود و آنان را وادار می‌کند تا - خواسته یا ناخواسته - روش‌های خشن‌تر و بی‌ملاحظه‌تری در قبال مراجعان اتخاذ کنند.

بررسی تحقیقات خارجی نیز نشان داد که موضوع خشونت‌ورزی و تقابل برخی شهروندان با کارکنان پلیس، موضوع و دغدغه‌ای در بین پلیس بسیاری از کشورهاست. همچنان‌که پینگ و پاولو (۲۰۱۹) در تحقیق خود بیان کرده‌اند، در کشور آمریکا سالانه تعداد زیادی از کارکنان پلیس در نتیجه تقابل و مقاومت شهروندان در مواجهه با آنان جان خود را از دست می‌دهند.

در مجموع، تحقیق پیش‌رو سعی خواهد کرد از جهات روشی و نظری از نقاط قوت تحقیقات پیشین استفاده کند. آنچه تحقیق حاضر را از پژوهش‌های

مورد اشاره در بالا متمایز می‌سازد، در وهله نخست تلاش برای شناسایی وقوع جرمی است که نه تنها منابع انسانی پلیس بلکه امنیت عمومی و در نتیجه احساس امنیت اجتماعی جامعه را با مخاطره روبرو می‌سازد؛ و وجه تمایز دیگر این است که این مهم در جغرافیای استان فارس و با بررسی اسناد و پرونده‌های واقعی و همچنین مصاحبه با افرادی که به‌نوعی با تعدی و تمرکز ارتباط داشته‌اند، انجام گرفته است؛ از این رو پژوهش حاضر در نوع خود فعالیتی بدیع و نوآورانه می‌باشد.

امنیت اجتماعی^۱

امنیت اجتماعی را نخستین بار «باری بوزان»^۲ در کتاب «مردم، دولت و هراس» به کار برد. به عقیده بوزان، امنیت بشری به پنج دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن، افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی کرده‌اند؛ به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند (بوزان، ۱۳۸۷). امنیت اجتماعی از منظر این پژوهش، وضعیتی است ذهنی و عینی مبتنی بر فقدان ترس از هرگونه پدیده‌ای که موجب صدمه روحی یا جسمی شود. مطالعات فرسنگی

احساس امنیت^۳

به لحاظ مفهومی احساس را دریافت کردن، دریافتن، دانستن، دیدن و آگاه شدن معنا کرده‌اند (کیا؛ نادرپور؛ خضرای گل‌پرور و پورعلی، ۱۳۹۳، ص ۷۳-۵۳).

از بُعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است و ارتباط مستقیمی با ذهنیت و ادراک مردم دارد. اگر مردم جامعه‌ای احساس کنند که پدیده امنیت

1- Societal Security
2- Barry Buzan
3- Security Feeling

کمرنگ شده و یا کاهش یافته است، ممکن است در مرحله اول آن را واقعیتی ذهنی تلقی کنند، اما در مرحله بعد و به نحو ناخودآگاه به عنوان پدیده بیرونی تجلی می‌یابد و هر دو بُعد بر یکدیگر تأثیر مثبت و منفی دارند (رفیعیان و مؤیدی، ۱۳۹۱، ص ۵۷).

احساس امنیت یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی موردحمله قرار گیرد یا به مخاطره بیفتد و همچنین به معنای نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹). منظور از احساس امنیت در این تحقیق، ادراک از فقدان هرگونه پدیده ناامن‌ساز است؛ پدیده‌ای که می‌تواند موجب اختلال در زیست فردی و اجتماعی شود و فعالیت‌های آزادانه فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افراد را با مشکل مواجه کند.

تمرّد^۱

دهخدا (۱۳۹۷) تمرّد را به معنای سرپیچی و نافرمانی دانسته است. معین (۱۳۹۶) نیز تمرّد را مترادف با نافرمانی، گستاخی کردن و طغیان معنی کرده است. به موجب قانون مجازات اسلامی، هرگونه حمله یا مقاومت نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان، تمرّد محسوب می‌شود (دیدگاه و مندنی، ۱۳۹۶، ص ۱). در این راستا، «نافرمانی افراد در برابر مأموران تحت هر یک از عناوین «حمله یا مقاومت» در حقوق کیفری ایران با شرایطی موجب تحقق جرم تمرّد است» (شاگری و رستگاری، ۱۳۹۳، ص ۲). تمرّد در این پژوهش به معنای هرگونه تمکین نکردن و واکنش تندخویانه و پرخاشگرانه افراد (اعم از فیزیکی و غیرفیزیکی) در مواجهه با نیروهای انتظامی است.

آستانه تحمل^۲ (تاب‌آوری)

در فرهنگ عمید در تعریف «آستانه» چنین آمده است: نقطه آغاز یک عمل (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۹۶، ص ۵) و در همین فرهنگ لغت، تحمل به معنای

1- Rebellion

2- Tolerance threshold

بردباری کردن، بردباری داشتن، طاقت آوردن، شکیبایی و بردباری آمده است. همچنین در فرهنگ فارسی معین (۱۳۹۶) تحمل^۱ با تعبیری مانند برتافتن، تاب داشتن، شکیب داشتن، توانایی، طاقت، شکیبایی و قبول رنج بیان شده است.

در اصطلاح روان‌شناختی، «آستانه» را درست به معنی «بیشترین میزان» به کار برده‌اند. استعاره مفهومی «آستانه تحمل» از فیزیک و مشخصاً از متالوژی گرفته شده است و به میزان فشار و وزنی دلالت دارد که سازه یا فلز می‌تواند تحمل کند. این اصطلاح برای نشان دادن بیشترین میزان صبر و شکیبایی افراد در موقعیت‌های اضطراب‌آور و عصبانی‌کننده به کار می‌رود (الیاسی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

تعاملات اجتماعی: مفهومی کلی است که با شیوه، میزان، شدت و به‌طور کلی انواع گوناگون کنش و واکنش بین انسان‌ها در یک گروه و جمع یا جامعه سروکار دارد (هیلی و والن^۲، ۱۹۹۹، ص ۳۶۵).

تعامل اجتماعی به سه شکل مودت‌آمیز (همکاری، تعاون و هم‌افزایی) تعامل دوری و تعامل تفرقه‌آمیز (خصومت، تقابل، تعارض) آمده است. تعامل اکولوژیکی، تعامل انسان است در درون محیط جغرافیایی. فرایند تعارض، همکاری آمیخته با رقابت و یا حتی همکاری آمیخته با خصومت بین افراد یا گروه‌هایی است که در یک محیط جغرافیایی با هم زندگی می‌کنند و در برابر فرصت‌ها و مواهب و مسائل مشخص قرار دارند (هیلی و والن، ۱۹۹۹، ص ۲۸۰).

با توجه به ماهیت تحقیق در این پژوهش از چندین نظریه برای تبیین بهتر عوامل استفاده شد؛ بنابراین الگوی نظری تحقیق حاضر بر الگویی تلفیقی استوار است، زیرا مباحث اجتماعی و روان‌شناختی آن‌چنان گستردگی دارد که شناخت دقیق آن نیازمند مباحث مختلف نظری است. براین اساس، دیدگاه‌های مختلفی به این امر پرداخته‌اند که در این پژوهش از دیدگاه تاب‌آوری، جرئت‌ورزی (قاطعیّت)، نظریه مثبت‌نگر، نظریه واکنش اجتماعی، نظریه تعامل اجتماعی و... استفاده شده است.

1- Forbearance

2- Healy & Wahlen

نظریه تاب‌آوری

جویس^۱ (۲۰۱۰) معتقد است، تاب‌آوری، توانایی افراد یا گروه‌ها برای پیشبرد و حل مشکل در مواقع سختی است و یا توانایی افراد برای تداوم بهزیستی روانی و فیزیکی در صورت وجود بدبختی و مصائب و توانایی سازگاری افزایش‌یافته در حین رویداد استرس‌زا است (جویس، ۲۰۱۰؛ به‌نقل از میرارض‌گر، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

تاب‌آوری به‌عنوان فرایندی پویا تعریف شده است که طی آن وقتی افراد با ناملایمات یا ضربه‌های روانی مواجه می‌شوند، رفتار سازگارانه مثبت از خود بروز می‌دهند. تاب‌آوری یک ساختار دو بُعدی است: ابتدا در ارتباط با بروز ناملایمات و سپس پیامدهای سازگارانه مثبت در برابر آن‌ها. ناملایمات اشاره به مخاطرات مرتبط با شرایط منفی زندگی از قبیل ناکامی، فقر و بحران‌زدگی دارد (لوتار، سیسچتی و بیکر^۲، ۲۰۰۰) در فرهنگ مریام وبستر^۳ (۲۰۰۱) به توانایی بهبود پس از شرایط سخت و یا تغییر و تطبیق با آن شرایط، تاب‌آوری گفته می‌شود؛ به‌عبارتی دیگر، به‌عنوان یک توانایی، تاب‌آوری متعلق به افرادی است که در معرض عوامل خطر مشخص قرار می‌گیرند و می‌توانند بر آن خطرات غلبه کنند و از پیامدهای منفی نظیر بزهکاری و مشکلات رفتاری اجتناب نمایند (ریچارسون^۴، ۲۰۰۲) تاب‌آوری فرایندی است که به‌موجب آن فرد، هیجان مثبت را در مواجهه با شرایط گوناگون تجربه می‌کند (توگاید و بارت^۵، ۲۰۰۴). در پیشینه پژوهشی روان‌شناختی، واژه تاب‌آوری مترادف با دانش‌واژه‌های ذیل است: هوش هیجانی گلمن^۶، یادگیری خوش‌بینی سیلگمن^۷، احساس معنای فرانکل^۸، احساس کامیابی از نظر سیبرت و تری ونت^۹، یادگیری کاردانی

1- Joyce

2- Luthar, Cicchetti & Becker

3- Merriam Webster

4- Rucklson

5- Togay & Bart

6- Coleman emotional intelligence

7- Learn Optimism Seligman

8- Feeling the meaning of Frankl

9- Supreciate & Terry vent

روزنهان^۱ و خودباوری راجرز^۲ (مدی و خوشابا^۳، ۲۰۰۵).

نظریه قاطعیت^۴ (جرئت‌ورزی)

به اعتقاد دیویس^۵ (۲۰۰۲) قاطعیت فرایند بیان احساسات، درخواست تغییرات، دادن و دریافت کردن بازخورد صادقانه است (دیویس، ۲۰۰۲، ص ۲۶۹) در تعریف دیگری، قاطعیت عبارت است از گرفتن حق خود و ابراز افکار، احساسات و اعتقادات خویش به نحوی مناسب، مستقیم و صادقانه به صورتی که حقوق دیگران زیر پا گذاشته نشود. قاطعیت با درک و پذیرش اینکه هر فردی حق انتخاب و کنترل زندگی خود را دارد آغاز می‌شود. قاطعیت به معنای بهره‌کشی از دیگران نیست، بلکه به معنای محافظت از خود و منابع خود است (برکو^۶، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳).

نظریه مثبت‌نگر^۷

روانشناسی مثبت‌گرا با تکیه بر استعدادها و توانایی‌های انسانی، به جای تمرکز بر بیماری‌ها، جای خود را در ادبیات و فرهنگ گشوده است. پژوهش‌گران روان‌شناسی مثبت‌نگر، توانمندی‌های انسان را در شش گروه خردورزی، شجاعت، انسانیت، عدالت‌طلبی، اعتدال و تعالی با عنوان فضیلت‌های همه‌جا حاضر، طبقه‌بندی کرده و برای هر کدام قابلیت‌هایی برشمرده‌اند. نظریه روان‌شناسی مثبت‌نگر را سلیگمن^۸ به وجود آورد. هدف روان‌شناسی مثبت‌نگر این است که افراد به توانایی‌ها و مزیت‌هایی که افراد و جوامع را قادر می‌سازند پیشرفت کنند، تکیه دهند. این نظریه بر روی هیجان‌ات مثبت و خوش‌بینانه درباره آینده، امید و درستی و قدرتمندساختن افراد تمرکز می‌کند، افرادی که هیجان مثبت خوش‌بینانه را رشد داده‌اند، قادرند موقعیت‌های مخالف را تفسیر

1- Learn the Appreciation Rosenhan

2- Rogers sel

3- Maddi & Khoshaba

4- Theory of assertiveness

5- Davies

6- Berko

7- Positive theory

8- Seligman

کنند و به‌طور کاملاً متفاوتی آن‌ها را به تعویق بیندازند (حسینعلی‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۴).

بنابراین، هدف اصلی روان‌شناسی مثبت‌نگر، فراهم کردن زندگی شاد و سلامتی روحی و جسمانی برای افراد است. روان‌شناسی مثبت‌نگر بر این باور بنا نهاده شده است که مردم خواهان زندگی معنادار و هدفمند هستند و باید به افراد کمک کرد تا زندگی، عشق و کار خود را بهبود بخشند. یکی از حیطه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر عبارت است از: احساسات مثبت که دستیابی به آن موجب شادزیستی در زمان حال و امید به آینده است (دونالدسون و رائو^۱، ۲۰۱۵، ص ۱۸۹).

به‌طور کلی این مکتب در صدد عمیق‌تر کردن فهم مردم نسبت به شادی، کامروایی، رضایت‌مندی، بازآفرینی، تعهد، پرهیزکاری و ارزش و معنا بخشیدن به زندگی انسان معاصر است (سلیگمن و چیکسنت میهایلی^۲، ۲۰۰۰، ص ۵۵).

رویکرد واکنش اجتماعی

«واکنش اجتماعی» رویکرد دیگری است که در ارتباط با تبیین عوامل اجتماعی وقوع جرم تمرکز علیه مأموران می‌توان بداند توجه داشت. در جرم‌شناسی، اصطلاح «واکنش اجتماعی» دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود که هم شامل مجازات‌ها و اقدامات تأمینی - تربیتی است و هم قانون‌گذاری کیفری و نهادهای واکنش اجتماعی علیه جرم را دربرمی‌گیرد. نظریه‌های واکنش اجتماعی که در جرم‌شناسی مطرح می‌شوند، شامل چهار نظریه است که به‌عنوان نظریه‌های کلان در جامعه‌شناسی جنایی نیز بعضاً مورد استفاده قرار می‌گیرند. این چهار نظریه عبارت‌اند از: ۱- نظریه تعامل‌گرایی یا برچسب‌زنی که به بررسی کنش متقابل بین فرد و نهادهای واکنش اجتماعی علیه جرم می‌پردازد؛ از جمله پلیس، دستگاه قضایی، نحوه اجرای مجازات‌ها و...؛ ۲- نظریه جرم‌شناسی سازمانی یا جرم‌شناسی تشکیلاتی که به بررسی تناسب

1- Donaldson & Rao

2- Seligman & Csikszentmihalyi

بین سازمان و تشکیلات قضایی، پلیسی و اجرایی و نحوه مبارزه آن‌ها با میزان جرائم در جامعه می‌پردازد؛^۳ - نظریه جرم‌شناسی رادیکال یا جرم‌شناسی انتقادی که با رویکردی سیاسی به علت‌شناسی بزهکاری در جوامع می‌پردازد؛^۴ - نظریه بزه‌دیده‌شناسی که به مطالعه نقش مجنی‌علیه (بزه‌دیده) در فرایند کیفری می‌پردازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۴).

نظریه تعامل اجتماعی

آگبرن و نیم‌کف^۱ (۱۳۸۱) در کتاب «زمینه جامعه‌شناسی» تعامل اجتماعی را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: کنش‌های متقابل (تعامل) پیوسته و گسسته. تعامل اجتماعی پیوسته شامل افعالی می‌شود که جهت یگانه‌ای را در گروه تعقیب می‌کنند؛ مثل دوستی، همفکری، همکاری، تعاون، همیاری، یکدلی و انواع سازگاری‌هایی که موجبات ارتباط و نزدیکی بیشتر افراد گروه را فراهم می‌آورند؛ اما کنش‌های متقابل اجتماعی گسسته شامل افعالی است که جهت متفاوتی را در گروه باعث شده و موجبات دوری و تفرق اعضای گروه را فراهم می‌آورند. رقابت، سبقت‌جویی، ستیزه و کنش‌هایی از این قبیل را می‌توان در ردیف کنش‌های متقابل اجتماعی گسسته محسوب کرد. درحقیقت، نتایج حاصل از این دو دسته از تعامل‌ها که خود مبتنی بر روابط متقابل اجتماعی هستند، پویایی گروهی را موجب می‌شوند (آگبرن و نیم‌کف، ۱۳۸۱، ص ۲۵۸).

تعامل، کنش اجتماعی دوسویه است و تعامل‌های بین اشخاص، در بستر رابطه اجتماعی بین آن دو صورت می‌گیرد. مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، میان کنشگران اجتماعی اعم از اشخاص و گروه‌ها، اصطلاحاً «شبکه اجتماعی» نامیده می‌شود. میزان و نحوه تعاملات اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مختلف، ممکن است متفاوت باشد. آنچه بازگوکننده میزان و نحوه تعاملات اجتماعی است، سرمایه اجتماعی نام دارد. به قول بوردیو^۲، منظور از سرمایه اجتماعی، تراکم منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل است (بوردیو، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷). پلیس

1- Ogburn & Nimkoff

2- Bourdieu

به‌عنوان متولی امنیّت در جامعه علاوه بر امنیّت عمومی، بسیاری از مأموریت‌های خود را در جهت تأمین امنیّت فردی به انجام می‌رساند؛ در همین ارتباط ممکن است طی تعاملات فردی میان مردم و پلیس، تمرّد و تعدی علیه مأموران انتظامی نیز به وقوع بپیوندد. از این‌رو لازم است تا فرایند موصوف به‌صورت دقیق و هدفمند مورد مطالعه علمی قرار گیرد. در این راستا، باید توجه داشت که ارتباط فرایندی مستمر، همه‌جانبه و همه‌گیر است که برای انتقال اطلاعات و برقراری تفاهم و هماهنگی بین فرایند و گیرنده پیام به‌کار گرفته می‌شود. از طرف دیگر، ارتباط جریان تبادل تأثیر و تأثر دوجانبه میان برقرارکنندگان بر یکدیگر در یک بسته دوسویه محسوب می‌شود. ارتباط، هنری است که انسان به‌دلیل آن‌که ذاتاً اجتماعی آفریده شده است از آن استفاده می‌کند. انسان وارد روابط دوجانبه و همکاری‌های گروهی می‌شود (فرگاس^۱، ۱۳۹۷، ص ۲۵۰).

جویس و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند، تاب‌آوری، توانایی افراد یا گروه‌ها برای پیشبرد و حل مشکل در مواقع سختی است و یا توانایی افراد برای تداوم بهزیستی روانی و فیزیکی در صورت وجود بدبختی و مصائب و توانایی سازگاری افزایش‌یافته در حین رویداد استرس‌زا است (نوری، فتحی آشتیانی، سلیمی، آزاد مرزآبادی، اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۴). تاب‌آوری فرایندی است که به‌موجب آن فرد، هیجان مثبت را در مواجهه با شرایط گوناگون تجربه می‌کند (توگاید و بارت^۲، ۲۰۰۴). به اعتقاد کیت دیویس، قاطعیّت فرایند بیان احساسات، درخواست تغییرات، دادن و دریافت کردن بازخورد صادقانه است (دیویس^۳، ۲۰۰۲، ص ۲۶۹). در این راستا می‌توان قاطعیّت را این‌گونه تبیین کرد که: گرفتن حق خود و ابراز افکار، احساسات و اعتقادات خویش به نحوی مناسب، مستقیم و صادقانه به‌صورتی که حقوق دیگران زیر پا گذاشته نشود (برکو^۴، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳). لذا می‌توان بیان داشت؛ هر تعریفی که از

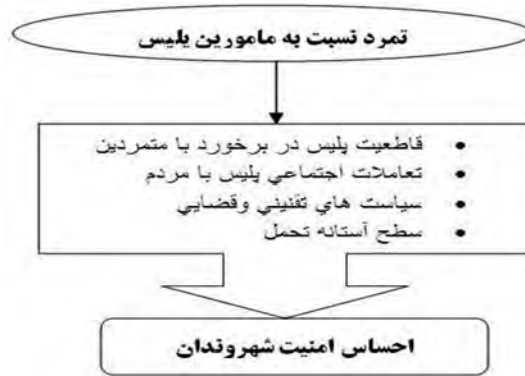
-
- 1- Fergas
 - 2- Togay & Bart
 - 3- Davidson
 - 4- Berko

قاطعیّت موردقبول قرار گیرد، باید در آن بررعیّت و احترام به حقوق خود و دیگران تأکید و میان گرفتن حقوق خود و پایمال کردن حقوق دیگران تمایز قایل شد.

یکی دیگر از نظریه‌های مورد استفاده در این پژوهش نظریه واکنش اجتماعی است؛ این نظریه در حوزه تبیین عوامل اجتماعی موثر بر وقوع جرم تمرّد علیه مأموران مورد استفاده قرار می‌گیرد و ضمن آن که مجازات‌ها و اقدامات تأمینی - تربیتی را در بر می‌گیرد؛ قانون‌گذاری کیفری و نهادهای واکنش اجتماعی علیه جرم را نیز شامل می‌شود.

نظریه سرمایه اجتماعی کلمن^۱ نیز در حوزه تعاملات اجتماعی حائز توجه است؛ به عقیده کلمن، تأثیر سرمایه اجتماعی در تعاملات اجتماعی مطلوب یا عکس آن و رفتارهای نابهنجار اجتماعی از جهت زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی اساساً از مجرای تأثیرگذاری ارزش‌ها، هنجارها، عرف و سنت‌های اجتماعی در جامعه‌پذیرسازی افراد اعمال می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

آخرین نظریه مبنای پژوهش، دیدگاه تأثیرگذاری آستانه تحمل بر خشونت-ورزی است. آستانه تحمل، برای نشان دادن بیشترین میزان صبر و شکیبایی افراد در موقعیت‌های اضطراب‌آور و عصبانی‌کننده به کار می‌رود. خشونت که یکی از عوارض و تظاهرات حالت خشم است، پیامد پایین آمدن آستانه تحمل بوده و در حالت افراطی امکان تبدیل به جرم را دارد، دقت نظر در آمار و ارقام ارائه‌شده معتبر در سال‌های اخیر افزایش چشمگیر آن را نشان می‌دهد (معظمی، عظیم‌زاده و آپرویز، ۱۳۹۶، ص ۴).



شکل(۱): مدل مفهومی پژوهش

روش

تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش کمی به صورت توصیفی - پیمایشی انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و پرسش‌نامه‌ای می‌باشد. این پژوهش از لحاظ زمانی، مقطعی و از جهت ژرفایی، پهنانگر است و با پرسش‌نامه خوداجرا انجام شد. اطلاعات نظری و تئوری از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به دست آمد. جامعه آماری پژوهش ۱۳۵ نفر شامل شهروندان عادی (۷۰ نفر)، بزه‌کاران و بزه‌دیدگان (۲۸ نفر)، استادان دانشگاه (۱۹ نفر) و تعدادی از خبرگان انتظامی و قضات (۱۸ نفر) در سال ۹۸ و ۹۹ در استان فارس است.

جدول (۱): جمعیت آماری و حجم نمونه تحقیق

جامعه آماری	تعداد جامعه آماری	حجم نمونه	روش نمونه‌گیری
استادان دانشگاه	۱۹	۱۴	خوشه‌ای سه مرحله‌ای
شهروندان عادی	۷۰	۵۲	خوشه‌ای سه مرحله‌ای
بزه‌کاران و بزه‌دیدگان	۲۸	۲۱	خوشه‌ای سه مرحله‌ای
خبرگان و قضات	۱۸	۱۴	خوشه‌ای سه مرحله‌ای
مجموع	۱۳۵	۱۰۱	خوشه‌ای سه مرحله‌ای

در این تحقیق از نمونه‌گیری خوشه‌ای سه‌مرحله‌ای استفاده شد؛ برای ارزیابی و اطمینان از روایی ابزار پژوهش از دیدگاه خبرگان (اعتبار ظاهری یا همان صوری) بهره گرفتیم و به‌منظور ارزیابی و اطمینان از پایایی ابزار تحقیق نیز، با بهره از ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷۰)، همبستگی درونی گویه‌ها و متغیرها تأیید شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح استنباطی، متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری، از آزمون‌های تی، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار spss ۱۸ انجام شده است.

جدول (۲): میزان ضریب آلفای کرونباخ

مؤلفه‌ها	تعداد سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ
احساس امنیت	۱۰	۰/۷۱۳
سطح آستانه تحمل	۱۴	۰/۷۲۳
قاطعیات پلیس	۸	۰/۷۰۲
تعاملات اجتماعی پلیس	۱۱	۰/۷۵۰
سیاست‌های تقنینی و قضایی	۹	۰/۷۰۱
کل		۰/۷۲۲

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول (۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و شغل

مؤلفه	تعداد درصد		مؤلفه	تعداد درصد		مؤلفه	تعداد درصد	
	تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد
جنس	مرد	۱۰۷	۸۶٪	وضعیت تأهل	تاهل	۱۱	۸٪	
	زن	۲۸	۱۴٪		متاهل	۱۰۴	۷۷٪	
وضعیت شغل	مجرد	۳۱	۲۳٪	تحصیلات	دیپلم	۶۲	۴۵٪	
	تاهل				لیسانس	۵۱	۳۷٪	
وضعیت تأهل	متاهل	۱۰۴	۷۷٪	میزان تحصیلات	بالاتر از لیسانس	۲۲	۱۸٪	
					لیسانس	۵۱	۳۷٪	
					زیر ۱۸ سال	۱۱	۸٪	
وضعیت شغل	مجرد	۳۱	۲۳٪	میزان تحصیلات	کارمند (دولتی، خصوصی)	۴۹	۳۶٪	
					زیر ۱۹ تا ۴۰ سال	۷۰	۵۲٪	
					۴۱ سال به بالا	۵۴	۴۰٪	

یافته‌های استنباطی

جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر مستقل متغیر وابسته	آزمون و معنی داری	احساس امنیت
سطح آستانه تحمل افراد	ضریب پیرسون	۰/۱۲۹
	سطح معنی داری	۰/۰۳
قاطعیّت پلیس در برخورد با متمرّدین	ضریب پیرسون	۰/۴۹۱
	سطح معنی داری	۰/۰۴
تعاملات اجتماعی پلیس با مردم	ضریب پیرسون	۰/۲۲۹
	سطح معنی داری	۰/۰۱
سیاست تقنینی و قضایی نسبت به افراد متمرّد	ضریب پیرسون	۰/۳۳۵
	سطح معنی داری	۰/۰۲

نتایج مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهد که سطوح معنی داری آزمون همبستگی بین سطح آستانه تحمل افراد و متغیر احساس امنیت از خطای ۵ درصد کمتر است لذا فرض صفر رد و فرض مقابل تأیید می‌شود؛ یعنی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی مثبت است؛ یعنی هرچه سطح آستانه تحمل افراد متمرّد نسبت به پلیس و همچنین پلیس نسبت به مردم بالاتر باشد، میزان احساس امنیت شهروندان هم بالاتر می‌باشد. این ارتباط با سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) درصد در جامعه آماری قابل تعمیم است.

سطوح معنی داری آزمون همبستگی بین قاطعیّت پلیس در برخورد با متمرّدین و متغیر احساس امنیت از خطای ۵ درصد کمتر است لذا فرض صفر رد و فرض مقابل تأیید می‌شود؛ یعنی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی مثبت است؛ یعنی هرچه قاطعیّت پلیس در برخورد با متمرّدین محکم‌تری باشد، میزان احساس امنیت هم بالاتر است. این ارتباط با سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) درصد در جامعه آماری قابل تعمیم است.

سطوح معنی‌داری آزمون همبستگی بین تعاملات اجتماعی پلیس با مردم و متغیر احساس امنیت از خطای ۵ درصد کمتر است لذا فرض صفر رد و فرض مقابل تأیید می‌شود؛ یعنی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی مثبت است؛ یعنی هرچه تعاملات پلیس با شهروندان بیشتر باشد، میزان احساس امنیت هم بالاتر است. این ارتباط با سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) درصد در جامعه آماری قابل تعمیم است.

سطوح معنی‌داری آزمون همبستگی بین سیاست‌های تقنینی و قضایی نسبت به افراد متمرّد و متغیر احساس امنیت از خطای ۵ درصد کمتر است لذا فرض صفر رد و فرض مقابل تأیید می‌شود؛ یعنی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی مثبت است؛ یعنی هرچه سیاست‌های تقنینی و قضایی نسبت به افراد متمرّد موشکافانه و دقیق‌تر باشد، میزان احساس امنیت هم بالاتر است. این ارتباط با سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) درصد در جامعه آماری قابل تعمیم است.

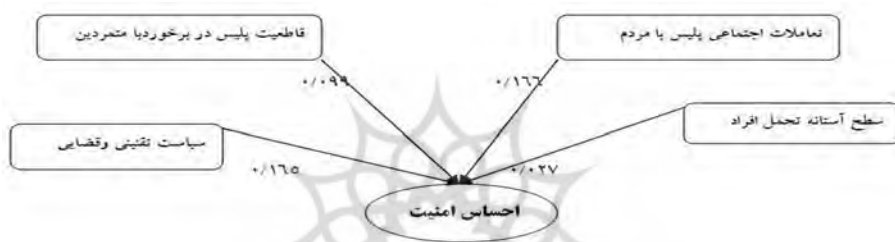
تحلیل رگرسیون چندمتغیره

در این مقاله برای ورود به رگرسیون چند متغیره از کد گذاری تصنعی و معادل میانگین استفاده شده است؛

جدول (۵) متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون چندگانه

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		خطای استاندارد	B	t	معناداری
	ضرایب استاندارد شده	خطای استاندارد شده				
تعاملات اجتماعی پلیس با مردم	۰/۱۲۲	۰/۰۹۹	۰/۱۶۶	۲/۱۳۰	۰/۰۳۱	
سطح آستانه تحمل افراد	۰/۰۲۵	۰/۰۵۹	۰/۰۲۷	۰/۳۱۹	۰/۰۴۲	
قاطعیت پلیس در برخورد با متمرّدین	۰/۰۹۹	۰/۰۶۸	۰/۰۹۹	۱/۲۴۹	۰/۰۶۹	
سیاست تقنینی و قضایی نسبت به افراد متمرّد	۰/۱۲۹	۰/۰۶۸	۰/۱۶۵	۲/۲۱۰	۰/۰۳۵	
تعدیل R مجذورات شده			۰/۳۱۰			

براساس اطلاعات جدول (۵) متغیرهای تعاملات اجتماعی پلیس با مردم در سطح ۹۵ درصد ضریب اطمینان و (معناداری ۰/۰۳۱ و مقدار ضریب استاندارد ۰/۱۶۶) و متغیر سیاست تقنینی و قضایی نسبت به افراد متمرّد در سطح ۹۵ درصد ضریب اطمینان (معناداری ۰/۰۳۵ و مقدار ضریب استاندارد ۰/۱۶۵-) بر احساس امنیّت اثر معنادار دارد؛ و این ارتباط از ارتباط سایر متغیرها بر احساس امنیّت بیشتر است. مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر ۳۱ درصد است که میزان تبیین واریانس و احساس امنیّت شهروندان را توسط مجموعه متغیرهای مستقل تحقیق نمایان می‌کند. مقدار باقی‌مانده (معادل ۶۹ درصد) نیز به عوامل دیگری مربوط می‌شود که در تحقیق حاضر در نظر گرفته نشده است.



شکل (۲): رگرسیون متغیر مستقل بر متغیر وابسته

همان‌طور که در شکل فوق قابل‌مشاهده است، چهار متغیر مستقل به‌صورت مستقیم بر متغیر وابسته «احساس امنیّت» تأثیرگذار است که از بین آن‌ها، متغیر «تعاملات اجتماعی پلیس با مردم» با ۰/۱۶۶ بیشترین تأثیر و متغیر «سطح آستانه تحمل افراد» با ۰/۰۲۷ کمترین تأثیر را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت، پدیده‌ای چندبعدی است و مطالعه میزان امنیت در جامعه به لحاظ عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امکان‌پذیر است اما عموم صاحب‌نظران بر این باورند که میزان احساس امنیت در جامعه، به‌اندازه وجود آن اهمیت دارد، چون واکنش‌هایی که فرد در جامعه در قبال عدم امنیت بروز خواهد داد، تابع میزان دریافت و ادراک او از امنیت خواهد بود؛ بنابراین «احساس امنیت» متغیری کلیدی در این خصوص محسوب می‌شود. بر این

اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر وقوع تَمَرّد نسبت به مأموران انتظامی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان استان فارس انجام شد. آزمون رگرسیون نشان داد که ۳۱ درصد میزان تبیین واریانس و تغییرات احساس امنیت توسط مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل تحقیق تحقق یافته است. براساس نتایج پژوهش حاضر، به‌طور کلی بین تعاملات اجتماعی پلیس و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه این تعاملات بین پلیس و شهروندان در جامعه بالاتر و بیشتر باشد، احساس امنیت بالاتر یا برعکس است. تعاملات اجتماعی به‌معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن‌ها شود و این واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است؛ اما آنچه ما در جوامع امروزی شاهد آن هستیم، کاهش سطح ارتباط افراد با یکدیگر است. با افزایش اندازه، وسعت شهرها، سرعت و تراکم روابط و تعاملات اجتماعی به‌عنوان اصول اولیه تضعیف می‌شود؛ به‌این ترتیب احساس جمعی اجتماع‌های محلی و وابستگی‌های احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است. شناخت کافی از انسان و نحوه ارتباطش با سایرین و چگونگی آن می‌تواند در شکل‌دهی محیط برای برقراری بیشتر تعامل و ارتباط مؤثر باشد؛ آگبرن و نیم‌کوف و بورديو نیز بر این باورند. همچنین نتایج پژوهش رحمانی (۱۳۹۸) و دعاگویان (۱۳۸۴) و ویلیامز و اسکات (۲۰۲۲) نیز مؤید این رابطه است و با یافته‌های تحقیق در این بخش هم‌پوشانی دارد. ویلیامز و اسکات (۲۰۲۲) چنین نتیجه گرفته‌اند که رفتار منطقی و تعاملی پلیس می‌تواند هیجانات منجر به تعارض پلیس و آشوبگران را تعدیل کند. به‌نظر می‌رسد تعاملات و روابط اجتماعی موجود در استان فارس در حد مطلوبی نیست، زیرا این روابط به‌وسیله مقررات، مؤسسات یا نهادهای اجتماعی باید مستحکم می‌شد و برای این مناسبات و حفظ روابط می‌بایست ضمانت اجرایی وجود داشته باشد، اما به‌نظر می‌رسد که نهادها و مؤسسات اجتماعی موجود، با توجه به اقوام مختلف ساکن در آن، کارایی لازم را نداشته و نتوانسته‌اند همبستگی و وفاق و تعاملات لازم را ایجاد کنند.

براساس نتایج پژوهش حاضر، به‌طور کلی بین آستانه تحمل طرفین و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه تاب‌آوری و آستانه تحمل افراد و پلیس در جامعه بالاتر باشد، احساس امنیت نیز در بین شهروندان بالاتر یا برعکس است؛ بنابراین با نظریات مریام وبستر که معتقد است تاب‌آوری متعلق به افرادی است که در معرض عوامل خطر مشخص قرار می‌گیرند و می‌توانند بر آن خطرات غلبه کنند و از پیامدهای منفی نظیر بزهکاری و مشکلات رفتاری اجتناب نمایند و همچنین با پژوهش‌های اکبری و همکاران (۱۴۰۰) همسو است. آنچه در این مطالعه به‌دست آمد، نمایانگر ارتباط مستقیم بین سیاست‌های تقنینی و قضایی و احساس امنیت است؛ یعنی هرچه در جامعه سیاست‌های تقنینی و قضایی بیشتر و در سطح مطلوب‌تری وضع شده باشد، بالطبع احساس امنیت در شهروندان بیشتر است؛ زیرا در جرم‌شناسی، واکنش اجتماعی دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود، که هم شامل مجازات‌ها و اقدامات تأمینی - تربیتی است و هم قانون‌گذاری کیفری و نهادهای واکنش اجتماعی علیه جرم را شامل می‌شود. بزهکاران بالقوه، همچون تمامی شهروندان، بازیگرانی محاسبه‌گردد؛ زیرا تغییر در هزینه‌ها و منافع بزهکاری، در پی آن است تا جرم را برای مجرم تبدیل به یک گزینه غیرجذاب کند. هنگامی که فردی مرتکب جرم می‌شود، باید مجازاتی بر وی اعمال شود تا تحمل رنج حاصل از مجازات، موجب بازدارندگی از ارتکاب مجدد بزه برای او و دیگران شود؛ در غیر این صورت، وقتی مجری قانون مورد تعدی قرار گیرد دیگر شهروندان چگونه می‌توانند احساس امنیت کنند و به فعالیت‌های روزمره خود مشغول شوند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین قاطعیت پلیس در انجام وظایف و احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد و این مؤید آن است که هرچه این قاطعیت در سطح قابل‌قبولی قرار گیرد، سطح احساس امنیت نیز افزایش خواهد یافت. لنج و جاکوبسکی معتقدند قاطعیت عبارت است از: گرفتن حق خود و ابراز افکار، احساسات و اعتقادات خویش به نحوی مناسب، مستقیم و صادقانه به‌صورتی که حقوق دیگران زیر پا گذاشته نشود. قاطعیت یکی از

ویژگی‌های مهم پلیس اسلامی است، زیرا وظیفه ذاتی‌اش برخورد با متخلفین، متمرّدین، اخلاالگران در نظم و امنیت کشور می‌باشد. در مجموع، نتایج تحقیق با یافته‌ها و نتایج تحقیق محققانی مانند اکبری و همکاران (۱۴۰۰)؛ استوار و همکاران (۱۳۹۸)؛ رحمانی (۱۳۹۸)؛ صفرآبادی (۱۳۹۵)؛ دعاگویان (۱۳۸۴)؛ ویلیامز و اسکات (۲۰۲۲) و جیل و همکاران (۲۰۱۸) دارای قرابت و هم‌نوایی است. پلیس در تراز جامعه اسلامی نمی‌تواند در برخورد با متخلفین، قاطعیت نداشته باشد و با دید رأفت و مهربانی و گذشت و دل‌رحمی با آنان رفتار کند، زیرا چنین گذشتی، ظلم بر جامعه است و این‌گونه رفتار می‌تواند جرئت خلافکار را بیشتر کند و زمینه را برای کثرت جرم و جنایت خلافکاران مهیا ساخته و احساس امنیت شهروندان را خدشه‌دار سازد.

پیشنهادها

- به‌منظور کاهش سطح اصطکاک و تقابل مأموران و شهروندان، هوشمندسازی پلیس به‌عنوان یک برنامه الزامی و ضروری مدنظر قرار گیرد تا علاوه بر فواید بسیار نظیر سرعت، سهولت، روزآمدی و... تنش‌های تعاملی بین مأموران و مردم نیز کم شود.
- با توجه به اینکه فراگیری هدفمند مهارت‌های ارتباطی از سوی کارکنان پلیس تا حد زیادی می‌تواند از بروز رفتارهای تنش‌زای منجر به تعدی و تمرّد پیشگیری کند؛ ارائه آموزش‌های مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی و روانی نظیر کارگاه‌های کنترل خشم و نحوه برقراری ارتباطات مطلوب از جمله راهکارهای عملی قابل طرح است.
- به‌منظور اثرگذاری فرابخشی، تلاش رسانه‌های عمومی برای آگاهسازی عمومی و ارتقای سطح دانش عمومی جامعه نسبت به موازین حقوق شهروندی، تا حد زیادی ضمن ارتقای سطح احساس امنیت، کارکردهای تقابلی بین مأموران و پلیس را نیز کاهش خواهد داد.

- پرهیز از رسانه‌ای نمودن برخی تمردهای صورت‌پذیرفته علیه مأموران انتظامی که در احساس امنیت جامعه ممکن است اثرگذار باشد، علاوه بر حفظ جایگاه و اقتدار پلیس در اذهان عمومی، از کاهش احساس امنیت در اجتماع نیز پیشگیری خواهد کرد.
- از آنجاکه قوانین و مقررات، زیرساخت‌های نرم‌افزارانه مهمی تلقی می‌شوند؛ اصلاح و تنقیح قوانین موضوعه با هدف پیشگیری کیفی، از سوی قانون‌گذار نیز با لحاظ تجربیات و آموزه‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناسی جنایی، پایه‌های تقویت را تقویت خواهد کرد.

سیاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از استادان دانشگاه‌های مستقر در شیراز، اداره کل بهزیستی استان فارس و همچنین فرماندهی انتظامی استان فارس که در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کنند.



منابع

— ابراهیمی، تراب. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی بر احساس امنیت عمومی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ تا ۶۵ ساله منطقه ۲۲ تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت علوم امنیت و اطلاعات انتظامی. دانشگاه علوم انتظامی امین.

— استوار، احمدرضا؛ پاک‌نهاد، امیر و هوشیار، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل جرم‌شناختی تهرّد نسبت به مأموران پلیس (مورد مطالعه: استان فارس). پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۲ (۴۸)، صص ۱۰۷-۱۳۲. قابل بازیابی از:

http://osra.jrl.police.ir/article_۹۳۴۰۰.html

— اصغرزاده، اصغر و میرزاده، سید محمد. (۱۳۹۹). تبیین افزایش آستانه تحمل در جهت حل تعارضات در یک یگان نظامی. مجله علوم مراقبتی نظامی، ۷ (۲)، صص ۱۳۹-۱۴۸. قابل بازیابی از:

<https://mcs.ajaums.ac.ir/article-1-333-fa.html>

— اکبری، عبدالله؛ مهدوی، سکینه و عبدالهی، الهام. (۱۴۰۰). بررسی علل خشونت شهروندان نسبت به مأمورین انتظامی در شهرستان سوادکوه. فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱ (۳)، صص ۱۲۰-۱۰۳. قابل بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_۹۵۹۷۳.html

— آگبرن، ویلیام فیل‌دینگ و نیم‌کف، مایر فرانسیس. (۱۳۸۱). زمینه جامعه‌شناسی. ترجمه امیرحسین آریان‌پور. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

— الیاسی، محمدحسین. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر ماهیت و ابعاد تهدید نرم. ماهنامه نگاه، ۵ (۲)، صص ۲۸-۴۱. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/JournalListPaper.aspx?ID=۳۱۶۵۴>

- برکو، ری.ام. (۱۳۷۸). مدیریت ارتباطات. ترجمه محمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۹). شکل‌های سرمایه. ترجمه کیان تاج‌بخش. تهران: نشر شیرزاده.
- بوزان، باری. (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورمنافی، ابوالفضل و رضایی‌راد، مجید. (۱۳۹۲). تبیین ارتباط بین پلیس و مردم در بستر طرح انضباطی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۶(۲۴)، صص ۱۰۳-۱۲۶. قابل بازیابی از:
http://osra.jrl.police.ir/article_۲۰۳۶۱.html
- حسینعلی‌زاده، آسیه. (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر در بوستان سعدی بر اساس نظریهٔ مارتین سلیگمن. کنفرانس علمی پژوهشی رهیافت‌های نوین در علوم انسانی ایران، تهران. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=95951>
- دعاگویان، داود. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر در تعرض به پلیس. فصلنامهٔ دانش انتظامی، ۷(۴)، صص ۶۰-۹۴. قابل بازیابی از:
http://pok.jrl.police.ir/article_۹۷۴۵۷.html
- دعاگویان، داود. (۱۳۹۳). جایگاه و نقش تعاملات اجتماعی پلیس در جلب مشارکت‌های مردم در طرح‌های انتظامی و امنیتی. فصلنامهٔ دانش انتظامی خراسان شمالی، ۱(۳)، صص ۷-۲۱. قابل بازیابی از:
http://khs.jrl.police.ir/article_۱۷۱۲۸.html
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.

— دیدگاه، سیدعلی و مندنی، اسلام. (۱۳۹۶). بررسی جرم تمرّد نسبت به مأمورین دولتی در حین انجام وظیفه به تبعیت از قانون. اولین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/674219/>

— ذاکری ماهانه، راضیه و افشانی، سید علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت در شهر یزد. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳(۳)، صص ۸۳-۱۱۰. قابل بازیابی از:

http://www.jsi-isa.ir/article_21047.html

— رحمانی، مریم. (۱۳۹۷). مطالعه کیفی علل تمرّد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی با رویکرد نظریه زمینه‌ای. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۳)، صص ۵۵-۸۲. قابل بازیابی از:

https://ssoss.ui.ac.ir/article_۲۳۷۴۶.html

— رفیعیان، محسن و مؤید، محمد. (۱۳۹۱). ارزیابی احساس امنیت شهروندان با رویکرد منظر شهری. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲(۸)، صص ۹۳-۱۲۰. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=۲۱۸۷۴۷>

— شاکری، رضا و رستگاری، ماندانا. (۱۳۹۳). بررسی جرم تمرّد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس. مجله دانش انتظامی، ۱۶(۱)، صص ۱۲۷-۱۵۶. قابل بازیابی از:

http://pok.jrl.police.ir/article_۱۱۳۸۶.html

— صفرآبادی، ایمان. (۱۳۹۵). بررسی راهکارهای پیشگیری از تعرض به کارکنان. نشریه نظارت و بازرسی، ۱۰(۳۷)، صص ۲۷-۴۸. قابل بازیابی از:

http://si.jrl.police.ir/article_۱۰۱۶۳.html

- عارفی‌نیا، جواد. (۱۳۹۰). بررسی راهکارهای پیشگیری از اعمال خشونت علیه مأموران پلیس. فصلنامه علمی - ترویجی بازرسی کل ناجا (نظارت و بازرسی)، ۵ (۱۸)، صص ۱۳۱-۱۵۰. قابل بازیابی از:
http://si.jrl.police.ir/article_۹۹۷۶.html
- عربی، فرانک. (۱۳۸۴). بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان ۸ شهر (تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان و مشهد). همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. صص ۱۹۱-۲۱۰. قابل بازیابی از:
<https://b2n.ir/w58346>
- عمید، حسن. (۱۳۹۶). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرگاس، جوزف. (۱۳۹۷). روان‌شناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی. چاپ ششم. تهران: نشر ابجد.
- کیا، علی‌اصغر؛ نادرپور، محمدرضا؛ خضرای گل‌پرور، میثم و پورعلی، رضا. (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین اعتماد مردم به تلویزیون و احساس امنیت. نشریه پژوهش‌های اطلاعات و جنایی، ۹ (۱)، صص ۵۳-۷۴. قابل بازیابی از:
http://icra.jrl.police.ir/article_۱۸۱۳۰.html
- محسنی، محمدحسین. (۱۳۸۴). تمرد در حقوق کیفری ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق، دانشگاه مازندران.
- مرکز فرماندهی و کنترل انتظامی استان فارس. (۱۴۰۰). بولتن خبری فرماندهی انتظامی استان فارس (چاپ‌نشده). فارس.
- معظمی، شهلا؛ عظیم زاده، شادی و آپرویز، فهیمه. (۱۳۹۶). آستانه تحمل پایین و تأثیر آن بر خشونت علیه اشخاص (ضرب، جرح و نزاع). همایش پیشگیری از خشونت چالش‌ها و راهکارها. کرمان. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/۷۵۷۳۹۷>

- معین، محمد. (۱۳۹۶). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرارض‌گر، مژینه سادات. (۱۳۹۴). نقش تاب‌آوری در ارتباط با مقاومت نسبی در برابر تجارب خطرناک اجتماعی. ماهنامه مهندسی مدیریت، ۸ (۶۳)، صص ۱۶-۲۲. قابل بازیابی از:

<https://www.magiran.com/paper/۱۴۵۳۱۸۹>

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). *تقریرات درس جرم‌شناسی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نصیری، معصومه و اعظمی، هادی. (۱۳۸۵). نابرابری‌های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲(۳)، صص ۴۲-۶۱. قابل بازیابی از:

http://journal.iag.ir/article_۵۷۲۷۱.html

- نوروزی، فیض‌اله و فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان تهران. *نشریه راهبرد*، ۱۸(۵۳)، صص ۱۲۹-۱۵۹. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۱۸۰۳۳>

- نوری، رضا؛ فتحی آشتیانی، علی؛ سلیمی، سید حسین؛ آزاد مرزآبادی، اسفندیار و اسماعیلی، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). بررسی برخی از ویژگی‌های شخصیتی، سلامت عمومی و روانی سربازان اقدام‌کننده به خودکشی در یک واحد نظامی. *فصلنامه روان‌شناسی نظامی*، ۲(۵)، صص ۴۷-۵۵. قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage//۱۱۶۸۳۸۷>

- هارجی، اون. (۱۳۷۷). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*. ترجمه‌ی خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رشد.

- Belvedere, K., Worrall, J. L., & Tibbetts, S. G. (2005). Explaining suspect resistance in police-citizen encounters. *Criminal Justice Review*, 30(1), 30-44. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1177/0734016805275675>
- Davidson, R. J. (2000). Affective style, psychopathology, and resilience: brain mechanisms and plasticity. *American Psychologist*, 55(11), 1196-1214. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.11.1196>
- Donaldson, S. I., Dollwet, M., & Rao, M. A. (2015). Happiness, excellence, and optimal human functioning revisited: Examining the peer-reviewed literature linked to positive psychology. *The Journal of Positive Psychology*, 10(3), 185-195. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1080/17439760.2014.943801>
- Gill, C., Jensen, R., & Cave, B. (2018). Exploring physical force and subject resistance in police encounters with people with behavioral health issues. *Victims & Offenders*, 13(8), 1106-1131. Retrieved from:
<https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/exploring-physical-force-and-subject-resistance-police-encounters>
- Grandey, A. A., Dickter, D. N., & Sin, H. P. (2004). The customer is not always right: Customer aggression and emotion regulation of service employees. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 25(3), 397-418. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1002/job.252>
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13(4), 365-383. Retrieved from:
<https://doi.org/10.2308/acch.1999.13.4.365>
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child development*, 71(3), 543-562. Retrieved from:

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1885202/>

– Maddi, S. R., & Khoshaba, D. M. (2005). Resilience at Work: How to Succeed No Matter What Life Throws at You. *New York: AMACOM*. Retrieved from:

[https://www.scirp.org/\(S\(vtj3fa45qml1ean45vvffcz55\)\)/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1915258](https://www.scirp.org/(S(vtj3fa45qml1ean45vvffcz55))/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1915258)

– McElvain, J. P., & Kposowa, A. J. (2004). Police officer characteristics and internal affairs investigations for use of force allegations. *Journal of criminal justice*, 32(3), 265-279. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2004.02.006>

– Pang, M. S., & Pavlou, P. A. (2019). On information technology and the safety of police officers. *Decision Support Systems*, 127, 113-143. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1016/j.dss.2019.113143>

– Richardson, G. E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of clinical psychology*, 58(3), 307-321. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1002/jclp.10020>

– Rojek, J., Alpert, G. P., & Smith, H. P. (2012). Examining officer and citizen accounts of police use-of-force incidents. *Crime & delinquency*, 58(2), 301-327. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1177/0011128710386206>

– Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55(1), 5–14. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.5>

– Tugade, M. M., Fredrickson, B. L., & Feldman Barrett, L. (2004). Psychological resilience and positive emotional granularity: Examining the benefits of positive emotions on coping and health. *Journal of personality*, 72(6), 1161-1190. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.2004.00294.x>

- Williams, N., & Stott, C. (2022). The role of psychological science in public order policing. In *Police Psychology*, (149-171). Academic Press. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/B978-0-12-816544-7.00008-5>

